ناگفته‌های دهه ۶۰ (۴)

جنجال پرسپولیس ـ پاس

■ ادامه سال ۶۳

مسابقات باشگاه‌های تهران به عنوان مهم‌ترین مسابقات روز فوتبال باشگاهی از اردیبهشت ۶۳ با قدرت‌نمایی پرسپولیس و استقلال و شش برد متوالی این تیم‌ها آغاز شد. پرسپولیس که در فکر جبران‌مافات فوتبال ۶۲ بود با پیروزی یک بر صفر برابر آرارات، ۴ بر صفر برابر دریانوردان، ۸ بر یک برابر راه‌آهن و ۶ بر یک برابر شاهین قدرتمند کار را عالی شروع کرد، در روز ۱۷ مهر ۶۳، بی‌توجهی مسوولان فوتبال تهران، کار را به عصیان، خرابکاری، بی‌نظمی و تعطیلی کشاند. مسابقات پرسپولیس در بازی‌های معمولی بالای ۵۰هزار تماشاگر داشت اما بازی مهم پرسپولیس- پاس که بعد از پنج سال مهم‌ترین بازی این تیم بود در استادیوم امجدیه برنامه‌ریزی شد. بیش از ۵۰هزار تماشاگر در امجدیه وقتی مطلع شدند که مسوولان انضباطی و امنیتی ورزشگاه نمی‌توانند مسابقه را برگزار کنند به داخل زمین ریخته تیر دروازه‌ها را کندند و هرچه قابل آتش گرفتن بود آتش زده و سپس مبادرت به فریادهای خصمانه کردند؛ فریادهایی که مسوولان هیات فوتبال تهران را وادار به استعفا و مسابقات سال ۶۳ را به ورطه تعطیلی کشاند. در مسابقات جام ملت‌های ۱۹۸۴ اتفاقاتی رخ داد که منجر به حذف بهروز سلطانی و رضا احدی از تیم‌ملی تا پنج سال شد. تیم‌ملی بدون این دو و درخشان و ناصر محمدخانی که به آلمان رفته بودند با دعوت از نفرات جدیدی مثل کوروش لرستانی، فرشاد پیوس، بیژن طاهری، سیروس قایقران و احمد منفرد به مسابقات جام جواهر لعل نهرو در هندوستان رفت. ایران در این مسابقات به یوگسلاوی ۳ بر یک و به شوروی ۲ بر صفر باخت. دو تیمی که با تمام ستارگان در این مسابقات شرکت کرده بودند. ایران، برابر چین نایب قهرمان جام ملت‌های آسیا ۴ بر صفر برنده شد تا ثابت کند قدرتمندترین تیم آسیا در سال ۱۹۸۴ است. در سال ۶۳ یک اتفاق خوب و یک اتفاق بد برای فوتبال در سطح ملی رخ داد. محمد پنجعلی و ناصر محمدخانی بعد از درخشش فوق‌العاده در جام ملت‌های ۱۹۸۴ آسیا به عنوان ستاره‌های این تیم برگزیده شده و در ترکیب منتخب آسیای ۸۴ ایستادند. اتفاق بد اما اعلام انصراف ایران جهت شرکت در مسابقات فوتبال جام‌جهانی بود. ایران اعلام کرد حاضر نیست در مقدماتی جام‌جهانی ۱۹۸۶ شرکت کند. مسوولان فیفا، کشورهای درگیر جنگ را محروم از میزبانی کرده بودند، هیچ‌کس به جز فوتبال ایران به این مساله معترض نبود و همین مساله موجب کناره‌گیری فوتبال از شرکت در این رقابت‌ها بود.

اسمش تیم‌ملی، هویتش بازی اصلی

تیم‌ملی ب نداریم

نازنین ربیعه

عکس: مهدی ملک

بازی‌های ملی و معیار آن چیست؟ تعریف چیست؟ به کدام بازی، بازی ملی می‌گویند و کدام بازی جزو بازی‌های ملی محسوب نمی‌شود؟ ما در این مقال مطالب زیادی را مرور کرده و تعریف‌های زیادی از مصادیق بازی‌های ملی خواهیم داشت. در حالی که گروهی، بازی‌های تیم منتخب تهران برابر بادکوبه را در سال ۱۳۰۵ و گروهی دیگر، رقابت‌های تیم منتخب مشهد برابر منتخب کابل را در سال ۱۳۲۰ بازی‌های مبدا تاریخ فوتبال ایران می‌دانند. باید بگوییم که هیچ‌کدام از این دو عرصه، بازی ملی محسوب نمی‌شوند. ما خواهیم نوشت و رمزگشایی می‌کنیم که:

۱- تمام بازی‌های رسمی – ملی تاریخ فوتبال ملی در قرن اخیر کدام‌ها بوده‌اند.

۲- تیم‌ملی یعنی چه و تعریف دیدار رسمی ملی چیست.

۳- با معیار تیم‌ملی امید، کدام‌یک از بازی‌های این تیم، ملی محسوب می‌شود.

۴- معیارهای تیم‌ملی ب چیست و کدام‌یک از بازی‌هایش رسمی محسوب می‌شود.

۵- در کدام رقابت‌ها، تیم‌ملی ما با اسمی به جز تیم‌ملی شرکت کرده است و چرا این بازی‌ها را نباید رسما بازی ملی بدانیم.

تیم‌ملی و تعریف دیدار رسمی

تیم‌ملی، برترین تیم یک کشور و آینه تمام‌نمای قدرت و اعتبار آن کشور است. تیم‌ملی، تنها تیمی است که حق دارد با پوشش رسمی پرچم کشور در میادین حضور یابد. دیدار برترین تیم یک کشور با پوشش قدرت تمام‌نمای آن کشور و تحت پرچم آن، با تیم دیگر، بازی رسمی ملی محسوب می‌شود. حال این بازی یا دوستانه است یا در تورنمنت بین‌المللی این بازی صورت می‌گیرد. معیار بازی ملی، قدرت فنی و کیفی نیست. مثلا تیم‌ملی ما در ۹۰ سال اخیر با تیم‌های باشگاهی پرقدرتی بازی کرده است مثل دیدار با «بایرن مونیخ»، «آ.اس.رم»، «آ.ث.میلان»، «منچستر یونایتد»، «هامبورگ»، «کلن» و... اما این بازی‌ها ملی نبودند و دیدار با سریلانکا، نپال، مالدیو و گوام بازی ملی محسوب می‌شود. اولین دیدار ملی فوتبال ما بر این اساس در سال ۱۳۲۷ رخ داده است و ایران در رویداد مورد اشاره به مصاف تیم‌ملی افغانستان رفته است.

تیم‌ملی امید و دیدارهای واقعی

تیم‌ملی، از لحاظ سنی، مقاطع مختلفی دارد. قبلا اصلا تیم‌ملی امیدی وجود نداشت. یک تیم‌ملی اصلی داشتیم و یک تیم‌ملی جوانان و این تیم‌ملی جوانان مورد اشاره ما زیر ۲۰سال بود. بعدها تیم‌ملی نوجوانان با مقطع سنی زیر ۱۸سال پدید آمد و از ابتدای قرن ۸۰ میلادی بود که سنین و مقاطع آن در فوتبال بین‌المللی تغییر کرد به این صورت که تیم‌ملی نوجوانان، زیر ۱۶سال یک کشور و تیم جوانان زیر ۱۸سال شد. حالا بحث اینجاست که اگر بازیکنی از مرز ۱۸سال گذشت و هنوز توانایی بازی در سطح معقول رسمی را نداشت چطور؟ برای پاسخ به این سوال، تیم‌ملی زیر ۲۳سال با نام تیم‌ملی امید پدید آمد. این تیم‌ها از سال ۱۹۹۲ شکل رسمی‌تر به خود گرفته و مسابقات المپیک با شرکت تیم‌های زیر ۲۳سال برگزار شد. مسابقات فوتبال المپیک از سال ۱۹۰۰ تا ۱۹۸۰ با حضور تیم‌های آماتور برگزار می‌شد و حرفه‌ای‌ها حق شرکت در المپیک را نداشتند. چگونه؟ توجه کنید: تیم‌های بلوک شرق اروپا، کلا فوتبال آماتور داشتند، مثل شوروی سابق، یوگسلاوی سابق، مجارستان، چکسلواکی سابق، آلمان شرقی سابق، رومانی، بلغارستان، لهستان و... . آنها در المپیک با تمام‌قدرت شرکت می‌کردند. این به ضرر بلوک غرب و کشورهای صاحب فوتبال مثل برزیل، آرژانتین، آلمان غربی، ایتالیا، انگلستان، فرانسه و... می‌شد. در چنین شرایطی بلوک شرقی‌ها قهرمانان بلامنازع و بی‌رقیب فوتبال المپیک بودند. از سال ۱۹۸۰ طرحی نو اجرا شد. براساس این طرح بازی همه بازیکنان در المپیک آزاد شد مشروط بر اینکه تیمی که در المپیک شرکت می‌کرد حق نداشت از وجود بازیکنان جام‌جهانی رفته استفاده کند. مثلا در المپیک ۱۹۸۸ سئول، برزیلی‌ها حق نداشتند از یاران جام‌جهانی ۱۹۸۶ خود بهره ببرد. نفراتی مثل جوسیمار، کارلوس، زیکو، فالکائو، سوکراتس، کاره‌کا، برانکو، آله‌مائو و... . برزیل اما می‌توانست از وجود روماریویی بهره ببرد که در جام‌جهانی ۸۶ شرکت نداشت. این وضعیت به ضرر تیم‌های حاضر در جام‌جهانی دو سال قبل می‌شد و تیم‌هایی که به جام‌جهانی دو سال قبل نرفته بودند می‌توانستند فارغ‌البال و با تمام قدرت خود در المپیک شرکت کنند. در هر دو صورت یک نقص عمده وجود داشت، پایمالی حق فوتبالی برخی از کشورها. این اتفاق تا سال ۱۹۸۰ به ضرر کشورهای حرفه‌ای و صاحب فوتبال تمام شد و در سال‌های ۱۹۸۴ و ۱۹۸۸ به ضرر تیم‌هایی بود که در جام‌جهانی دو سال قبل حضور داشتند. مثلا فرض کنید اگر فوتبال ما در جام‌جهانی ۱۹۸۲ با ستاره‌های وقت خود مثل بهروز سلطانی، پنجعلی، حاجیلو، درخشان، حسن نظری، حسن روشن، ناصر محمدخانی، حمید علیدوستی، ابراهیم قاسم‌پور، عبدالرضا برزگری و... در عرصه مسابقات شرکت می‌کرد، در المپیک ۱۹۸۴ حق نداشت از هیچ‌کدام بهره ببرد. به‌هرحال، از سال ۱۹۹۲ یک روند کم‌دردسرتر بر المپیک فایق شد. اصولا چرا به تیم‌های کشورها اجازه داده نمی‌شود در المپیک با تمام قدرت خود حاضر باشند؟ پاسخ این است که فیفا چنین اجازه‌ای نمی‌دهد تا مسابقات فوتبال جام‌جهانی تحت‌تاثیر جذابیت فوتبال المپیک قرار نگرفته و جذابیت‌های فوتبال جام‌جهانی منحصربه‌فرد باقی بماند. به‌هرحال از سال ۱۹۹۲، فوتبال المپیک با شرکت تیم‌های زیر ۲۳سال انجام شد و برای آنکه جذابیت کار بالا رود به تیم‌ها اجازه داده شد تا از سه بازیکن که سن آزاد داشتند استفاده شود و البته با این کار جذابیت مسابقات هم بالا رفت.

* * *

برویم سراغ ابهامات مربوط به تیم‌ملی امید و عدم تداخل آن با تیم‌ملی اصلی فوتبال. ما چندبار تیم‌ملی امید داشتیم که هرازگاهی بازی‌های آن، شبهه بازی ملی را فراهم آورد. توجه کنید:

■ در سال ۱۳۵۳ و در جریان مسابقات جام بین‌المللی تهران، دو تیم داشتیم، یکی تیم‌ملی اصلی و دیگری ملی امید که در واقع تیم‌ملی ب کشورمان بود. در این تیم ب، نفراتی مثل محمود اعتمادی، حسن روشن، غفورجهانی و... حاضر بودند. بازی‌های این تیم، بازی رسمی بود.

■ در سال ۱۳۵۴ و در جریان دوره دوم جام بین‌المللی تهران، تیم‌ملی ب ما بازیکنانی مثل راغفر، قشقائیان، ذوالفقارنسب، اللهوردی، دینورزاده، مائیس میناسیان، حسن نظری، ابراهیم قاسم‌پور، ناصر نورائی و... حاضر بودند. رده بازیکنان این تیم‌ملی، آزاد بود بنابراین بازی‌های تیم‌ملی ب، در مسابقات سال‌های ۵۳ و ۵۴ بازی ملی محسوب می‌شد.

■ در سال ۱۳۶۲، تیم‌ملی امید ما در مسابقات جام دیوار بزرگ چین شرکت کرد. در این مسابقات، نفراتی چون ناصر محمدخانی، عبدالعلی چنگیز، محمدنادری، شاهین بیانی، وحید قلیچ، اسماعیل اردلان و... برای تیم‌ملی امید شرکت کردند. تیم‌ملی، در این مسابقات بازی رسمی نداشت، چراکه سرمربی تیم‌ملی امید، با سرمربی تیم‌ملی اصلی فرق داشت و تیم‌ملی به اسم تیم‌ملی امید در مسابقات مورد اشاره شرکت داشت.

■ در آستانه بازی‌های آسیایی ۲۰۰۲ بوسان، تیم‌ملی با تیم زیر ۲۳سال خود در تورنمنت غرب آسیا شرکت کرد اما به دو علت، بازی‌های این تیم بازی ملی بود. اول اینکه سرمربی امید همان سرمربی بزرگسالان بود و دوم اینکه تعداد بازیکنان بالای ۲۳سال این تیم بیشتر از سه نفر محسوب می‌شدند.

معیارهای تیم‌ملی ب

تیم‌ملی ب برای فوتبال ما گاهی وضعیت تیم‌ملی امید را داشته است و گاهی اوقات دومین حریم قدرت تیم‌ملی اصلی بوده است. در سالیان گذشته، فوتبال ما بارها تیم‌ملی ب را داشته است که در اکثر اوقات این بازی‌ها، بازی رسمی ملی محسوب می‌شود. بازی‌های تیم‌ملی ب هم می‌تواند، رسما بازی ملی باشد به شرط آنکه حداقل پنج نفر از بازیکنانش سابقه حضور در تیم‌ملی اصلی را داشته باشد. دوم اینکه سرمربی آن با سرمربی تیم‌ملی اصلی یکی باشد و سوم اینکه بازی‌های تیم‌ملی ب با تیم‌ملی الف، در یک مقطع و در یک زمان نباشد. لطفا توجه کنید:

■ همان‌گونه که گفتیم در سال‌های ۱۳۵۳ و ۱۳۵۴، تیم‌ملی ب داشتیم. بازیکنان این تیم بازیکنان امید بودند و در مورد آنها قبلا توافق کردیم که بازیکنان و بازی آنها رسمی محسوب شده است.

■ در مقدماتی جام‌جهانی ۱۹۷۸، دوبار، تیم‌ملی امید به جای تیم اصلی شرکت کرد که باز هم حرف از تیم‌ملی اصلی بود. در روز ۲۹اردیبهشت سال ۱۳۵۷، تیم‌ملی ب ایران در جام بین‌قاره‌ای به مصاف تیم‌ملی غنا رفت و ۳ بر صفر برنده شد. این تیم را تیم ملی نمی‌دانیم چون سرمربی‌اش محمود یاوری و با سرمربی تیم اصلی متفاوت بود.

■ یکی دیگر از معیارهای تیم‌ملی ب و رسمیت‌یافتن آن، این بود که تیم‌ملی ب باید با تیم‌های اصلی کشور دیگر به مصاف برود تا بازی‌اش رسمی محسوب شود و بازی‌هایی مثل دیدار ایران – ب بلغارستان در سال ۵۷ / ایران – ب لهستان در سال ۵۴ / ایران ب شوروی در سال ۶۹ و ... بازی رسمی ملی محسوب نمی‌شدند.

■ به‌هرحال به سال ۱۳۶۴ می‌رویم. در مسابقات جام دهه فجر تیم‌ملی ب، ما با نفراتی مثل عابدزاده، نعمت‌زاده، بهتاش فریبا، قلعه‌نویی، پیوس، باوی، انصاری‌فرد و... به مصاف حریفانی مثل غنا رفتیم که این بازی مورد اشاره ما هم بازی ملی محسوب می‌شود.

■ تیم‌ملی ب ما در سال ۱۳۸۱ به تورنمنت غرب آسیا رفت که بازی‌های این تیم هم رسما بازی ملی محسوب می‌شود.

■ تیم‌ملی ب ما در سال ۱۳۸۴ با مربیگری بیژن ذوالفقارنسب در تورنمنت غرب آسیا شرکت کرد.

■ تیم‌ملی ب در سال ۱۳۸۶ با هدایت پرویز مظلومی در مسابقات غرب آسیا شرکت کرد و قهرمان شد. فیفا، مسابقات ایران را در سه مقطع مورد اشاره ما رسمی محسوب کرد و ما هم اینگونه عمل می‌کنیم. اما یادتان باشد سرمربی ما در این مقطع سرمربی تیم‌ملی اصلی نبوده است.

اسناد فوتبال

روزی که فوتبال آسیا را شوکه کردیم

■ تیم‌ملی ایران در بازی‌های آسیایی ۱۹۵۸ توکیو بین ۱۴ تیم شرکت‌کننده به عنوان چهاردهم رسید. این تیم، پرستاره بود و نفراتش اعلام کردند که بهترین تیم تاریخ فوتبال ایران را تا آن مقطع دارند؛ تیمی که محمد بیاتی، علی جعفرزاده، عارف قلی‌زاده، داوود ارغوانی، جواد بهشتی، امیر عراقی، محمود بیاتی، نادر افشارعلوی‌نژاد، پرویز دهداری، پرویز کوزه‌کنانی، مسعود برومند، بیوک جدیکار، ایرج عرفان و... را داشت. بازیکنانی که به طور متوسط بالای ۲۹-۲۸ سال داشتند و با توجه به آن روزگار تیم مسنی بود. یک سال بعد، فرانس مساروش مجاری سرمربی تیم‌ملی شد. از تیم گذشته، او تنها محمد بیاتی، عارف قلی‌زاده و پرویز دهداری را حفظ و بقیه ستارگانش را جوان کرد. محمد رنجبر ۲۶ساله، مصطفی عرب ۲۰ساله، غلامحسین نوریان ۲۴ساله، کامبیز جمالی ۲۱ساله، ناصر حاجی‌مختار ۲۲ساله، داوود حیدری ۲۱ساله، عباس حجری ۲۲ساله، حمید برمکی ۲۰ساله، ناصر نوآموز ۲۱ساله، حمید شیرزادگان ۱۹ساله، ایرج دبیرسیاقی ۱۹ساله و جعفر نامدار ۲۰ساله، جزو یاران آن تیم بودند. تیم‌ملی در مسابقات آسیایی توکیو، بازی اول را ۵ بر صفر به کره جنوبی و بازی دوم را به اسراییل غاصب ۴ بر صفر باخته بود. با تیم اصلی ۴ بر صفر باخته بودیم، حالا باید با تیم جوانان‌مان که بیشتر نفراتش زیر ۲۳ سال داشتند با اسراییل غاصب در روز ۱۴ آذر ۳۸ می‌جنگیدیم. محمد بیاتی، عارف قلی‌زاده، محمد رنجبر، مصطفی عرب، غلامحسین نوریان، کامبیز جمالی، ناصر حاجی‌مختار، پرویز دهداری، داوود حیدری، عباس حجری و حمید برمکی، ترکیب تیم‌ملی در این روز بود. فوتبال دنیا ناگهان سرگیجه گرفت. اسراییل غاصب که خود را در سطح تیم‌های درجه دوم اروپایی مطرح می‌دید در مقدماتی جام ملت‌های ۱۹۶۰ به ایران ۳ بر صفر باخت. همه در فوتبال دنیا از این نتیجه شوکه شده بودند. حمید برمکی، عباس حجری و پرویز دهداری، سه گل را زدند. اسراییلی‌ها ادعا کردند این تیم دوم آنهاست و تیم‌ملی اصلی در مسابقات مقدماتی جام جهانی شرکت دارد. حرف آنها دروغ بود. اولا مسابقات مقدماتی جام جهانی ۱۹۶۲ شیلی شروع نشده بود. دوم اینکه از این تیم هفت، هشت نفر، در مسابقات آسیایی ۱۹۵۸ توکیو شرکت داشتند و سوم اینکه فریدون شریف‌زاده داور ایرانی با تحقیقات انجام‌داده ثابت کرد که تیم‌ملی اسراییل اصلی همین تیمی بود که به ایران ۳ بر صفر باخت. ایران ضعیف آن روزها، برابر یک قدرت بزرگ برنده شده بود. در نهایت در پایان این دیدارها اسراییل غاصب در ۶ بازی ۸ امتیاز گرفت و ما در ۶ بازی با ۳ برد، یک مساوی و ۲ باخت، ۷ امتیاز گرفتیم. اسراییل از ۴بازی با پاکستان و هندوستان، ۳ برد و یک مساوی به دست آورد. در حالی که ما برابر پاکستان و هندوستان صاحب ۲ برد و ۲ باخت شدیم.

جدول ۱۵۰۵

افقی:

۱- کارگردان واکنش پنجم- من و تو ۲- قوه حافظه- بیماری مزمن سلسله اعصاب- ناپخته ۳- قبیح- تلخ- مدرک- نام معروف‌ترین تراژدی یونان ۴- پروردگاری- شهری در مازندران ۵- ورم غده بناگوشی- اتاق قطار ۶- از جنس نر- پارازیت- عدد هندسی ۷- پایتخت کوبا- آرایش- کشتی جنگی ۸- برآمدگی عضوی از بدن- گران بار- نام رولان ۹- ریسمان- یار عذرا- ایالت آمریکا ۱۰- خاشاک- از گل‌ها- رشته‌کوه کشورمان ۱۱- مقابل نر- سرودهای حضرت داوود(ع) ۱۲- از اقلیت‌های مذهبی- کوهی که کشتی نوح(ع) بر آن نشست ۱۳- رونده- گوشه- همسر مرد- آسمان ۱۴- واحد قدیمی اندازه‌گیری وزن- از روی ناچاری- از ادعیه معروف ۱۵-واحد سیگار- تابلوی پی‌یر اگوست رنوار

عمودی:

۱- برنده- امان خواستن ۲- نام جد پیامبر(ص) - از فراعنه مصری- پابرجا و استوار ۳- وقت معین- پیشگاه اتاق- آکنده و پر ۴- یک عامیانه- گیاه رنگرزی- دانشمند و پزشک آمریکایی که تحقیقاتش در مورد روش‌های تجربی بی‌حسی قابل تمجید است ۵- واضح و آشکار- بیابان- خاندان ۶- کاشف گردش خون- شهر فارس- کنجد ناقص! ۷- همبازی پت- رایحه- بی‌خطر- آگاه کردن ۸- قلب قرآن- دورویی- از گیاهان دریایی ۹- گرفتگی زبان- نیم‌صدای ساعت- سوگ- باران اندک ۱۰- صورت پنجم از صور فلکی- از علایم نگارشی- خواروبار ۱۱- گیاه مرداب- رشته پهن- زمان‌ها، اوقات ۱۲- سازمان نفتی- نقل حدیث- خط‌کش مهندسی ۱۳- نادرستی- ساززن- بازار ۱۴- بی‌آن فطیر است- فلات آسیایی- کتاب نظامی ۱۵- سبکی در نقاشی- به‌جز، مگر

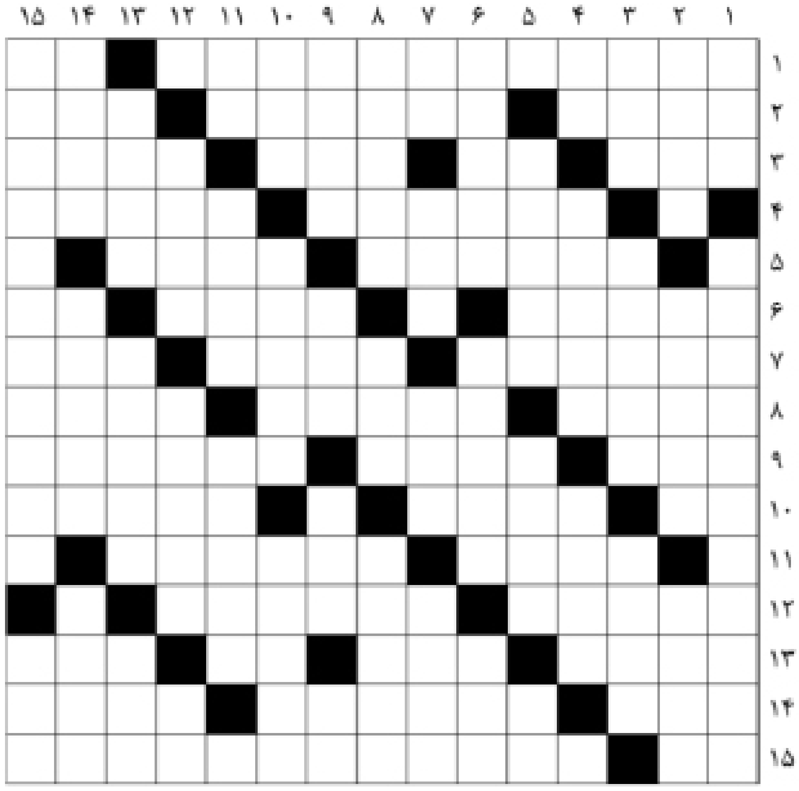

حل جدول ۱۴۹۹

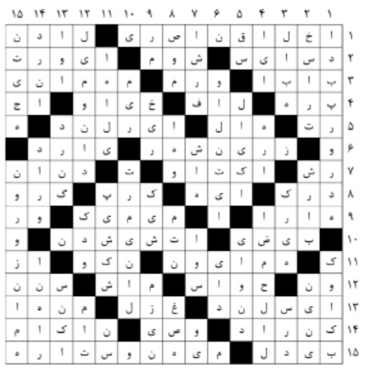

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱ـ در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲ـ در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ۵۰۹

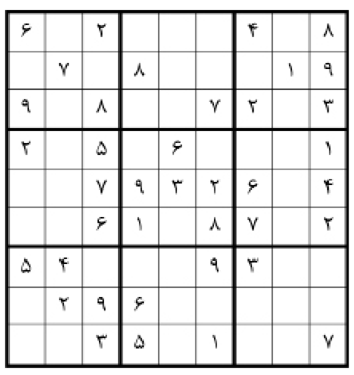

حل سودوکو ۵۰۸

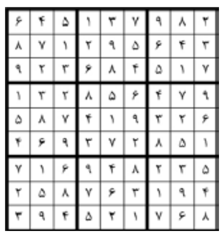

حل سودوکو سخت

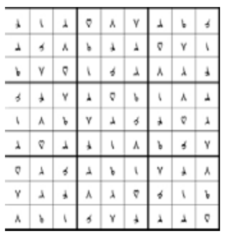

سودوکو سخت ۱۶۰

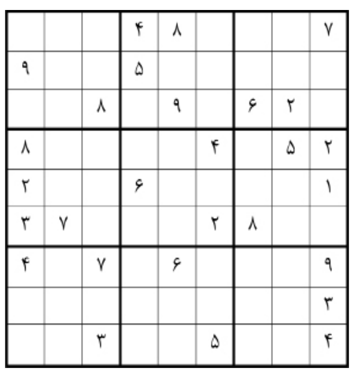

بیمارستان فوق تخصصی محک

با هزار تومان خیلی کارهای مهمی میشه کرد!

سال پیش از شما پرسیدیم که با هزار تومان چی کار میشه کرد و از شما دعوت کردیم که با مشارکت در طرح عضویت محک با پرداخت ماهانه حداقل هزارتومان به بزرگترین خانواده حامی کودکان مبتلا به سرطان بپیوندید. امسال می‌خواهیم بگوییم که با هزار تومان‌های شما در محک چه کار می کنیم؛ ما با تکیه بر کمک‌های شما از سال ۱۳۷۰ تاکنون موفق به حمایت همه جانبه بیش از ۱۷۰۰۰ کودک مبتلا به سرطان در سراسر ایران شده‌ایم و در سال ۸۶ تنها بیمارستان فوق تخصصی سرطان کودکان در خاورمیانه را بنا نهاده و بهره‌برداری کرده‌ایم. فقط در این بیمارستان تا امروز بالغ بر ۳۵۰۰ کودک از سراسر ایران، رایگان درمان شده‌اند.

اگر شما هم ماهی فقط هزار تومان به محک کمک کنین، می تونین ضمن پیوستن به بزرگترین خانواده حامیان کودکان مبتلا به سرطان در یکی از پر ارزش‌ترین حرکت‌های دنیا برای نجات جان هزاران کودک مشارکت کنید.
برای پیوستن به خانواده بزرگ محک با شماره ۲۳۵۴۰-۰۲۱ تماس بگیرید.

محک
mahak-charity.org

برای بازدید از این مجموعه که حاصل عشق شماست، با شماره تلفن ۱۲۱۰ ۲۳۵۰-۰۲۱ تماس حاصل فرمایید.
از اینکه به پیام ما توجه کردید سپاسگزاریم.